

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم "اسیر"
بن - المان ، نومبر ۱۹۹۲

حرف صائب

تو تا جلوه کردی به دنیای من
مرا کشته مهر خود ساختی
به نامهربانی شکستی دلم
به خاک سیاهم نشاندی به ناز
بصد شیوه ام ای بت دلفریب
ازین قرب و بُعد ای سهی قامت
در آخر رهایم نمودی به سوز
کنون همدم دیگران گشته ای
ترا عهد و پیمان اگر این بود
که در نیمه ره دل بگیری ز ما
روی یار هر بی سر و پاشوی
ز صائب بتو خوانم این یک کلام

به زنجیر بستی سراپای من
در آخر به عالم نپرداختی
به برق نگه سوختی حاصلم
پی سوختن زنده کردیم باز
ز خود دور کردی، بدردم قریب
نه صبری بدل ماند، نی طاقتم
شب تار مردم ز وصل تو روز
جفایشه و سر گران گشته ای
چنین سست اگر دین و آئین بود
فراموش سازی صفا و وفا
غم دیگری را مداوا شوی
که آگاه باشی و تمت تمام

[نرنجم که با دیگری خو کنی]

[توبا ما چه کردی که با او کنی]